

# مبارزه با فرهنگ تقلب

گفت‌وگوی دیک کاروزا (بازرس رسمی تقلب) با دانیس تاکور، برنده‌ی جایزه‌ی سال ۲۰۱۴ انجمن بازرسان رسمی تقلب (ACFE)

ترجمه:



محسن زاله آزاد  
زنجانی

دانیس تاکور پس از آن که متوجه شده بود کارفرمایش، شرکت تحقیقات دارویی رانباکسی، برای اخذ مجوز تولید و فروش داروهای ژنریک سند سازی می‌کند، سر تا پا غرق شگفتی شد. با این حال، پس از ۸ سال تلاش بی وقفه او و همکارانش با سازمان غذا و داروی آمریکا، سرانجام شرکت رانباکسی در ارتباط با ۷ مورد اتهام مطروحه در دادگاه مجرم شناخته شد. دانیس تاکور می‌گوید: در راه دشواری که انتخاب کرده بودم شب‌های زیادی خواب به چشمانم نرفت.

در سال ۲۰۰۴، دانیس تاکور ۳۵ ساله به عنوان مدیر اجرایی بخش تحقیق و توسعه شرکت تحقیقات دارویی رانباکسی منصوب شد. او به مرور دریافت رانباکسی اطلاعات کاملاً نادرست از فعالیت‌های خود را در اختیار سازمان بهداشت جهانی قرار می‌دهد. رانباکسی با سندسازی وانمود می‌کرد شرایط لازم را برای تحقیقات بر روی داروهای تولیدی ژنریک فراهم کرده است؛ و بدین ترتیب، می‌توانست با اخذ مجوزهای لازم داروهای خود را از طریق شرکت‌های دارویی بزرگ به کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت بفروشد. برای مثال، می‌توان به فروش داروهای تولیدی شرکت رانباکسی برای پیشگیری و درمان اچ‌آی‌وی (ایدز) اشاره کرد، که در جنوب آفریقا عرضه می‌شد.

در آن هنگام، راجیندر کمار رئیس بخش تحقیق و توسعه و مافوق تاکور بود. او که از مسائل پشت پرده در رانباکسی باخبر شده بود، از تاکور خواست بررسی جامع و همه‌جانبه‌ای را درباره‌ی عمق فاجعه آغاز کند؛ تا متوجه شوند ابعاد این تقلب در چه حدی در ساختار رانباکسی رخنه کرده است. و آیا غیر از آمریکا کشورهای دیگری نیز فریب این کلاهبرداری انسانی را خورده‌اند، و برای فروش داروهای تولیدی ژنریک رانباکسی مجوز خرید صادر کرده‌اند؟

تاکور متوجه شد مدیران رانباکسی از هر آن چه در شرکت رخ می‌دهد کاملاً باخبر هستند. او حتی متوجه شد مدیران رانباکسی کارکنان خود را تشویق به انجام تقلب می‌کنند. بله! جمع‌بندی آنان این بود که متأسفانه تقلب در رانباکسی به صورت یک فرهنگ در آمده است.

تاکور شهروند آمریکا است، و در رشته‌ی مهندسی از دانشگاه‌های آمریکا دانش آموخته شده است. او در کار خود مهارت لازم را کسب کرده بود، و با توجه به توانایی‌هایش متوجه شده بود که رانباکسی در آزمایش داروهای ژنریک تولیدی خود جدیت لازم را به خرج نمی‌دهد. زیرا رویکرد شرکت در آزمایش داروهای تولیدی بر کاهش هزینه و زمان متمرکز شده بود، و هیچ‌گاه محصولات تولیدی را پیش از عرضه به بازار مورد آزمایش‌های دقیق قرار نمی‌دادند. آن

چه وجود داشت اطلاعاتی ساختگی و دروغین از نتایج آزمایش دارو بر روی بیمارانی بستری شده در درمانگاه‌های متعلق به شرکت بود، و نشان می‌داد عملکرد دارو بر روی بیماران مؤثر بوده است و قطعاً مؤثر خواهند بود.

تاکور و کومار نتایج یافته‌های خود را به یکی از اعضای هیئت مدیره ارائه کردند. ولی متوجه شدند هیئت مدیره اقدامی در راستای پاسخگویی و رفع مشکل انجام نمی‌دهد. سرانجام، تاکور و کومار هر دو از سمت خود در رانباکسی استعفا دادند. این تازه آغاز ماجرا بود. تاکور با وجدان خود درگیر شده بود و دائماً با خود این موضوع را زمزمه می‌کرد: «یا حالا که رانباکسی را ترک کرده‌ام نسبت به آن چه در آن شرکت رخ می‌دهد مسئولیت و وظیفه‌ای ندارم؟ آیا به اندازه‌ی کافی در اطلاع‌رسانی به ارکان داخل سازمان درباره‌ی موارد یادشده درست عمل کرده‌ام؟ آیا نیازی به ملاقات با مقامات ذی‌صلاح و گزارش تخلفاتی که باعث این فاجعه‌ی انسانی می‌شود، نیست؟»

سرانجام، تاکور تصمیم خود را گرفت و تسلیم وجدان خود شد؛ و گزارش تخلفات رانباکسی را به سازمان غذا و داروی ایالات متحده گزارش کرد. او ابتدا فکر می‌کرد با این کار مأموریتش به پایان رسیده است. اما متوجه شد بعد از ۸ سال تلاش و زحمت زندگیش از نو آغاز شده است. سازمان غذا و داروی آمریکا، دانش اندکی درباره‌ی مراحل بازرسی فروش دارو در هند داشت. ولی به گزارش‌ها و مستندات تاکور اعتماد کرد. سرانجام، در روز ۱۳ می ۲۰۱۳ شرکت "رانباکسی یواس" وابسته به شرکت تحقیقات دارویی رانباکسی (با مسئولیت محدود) به ۷ فقره جرم محکوم شد. عمده‌ترین موارد جرم شامل فروش داروهای تقلبی به قصد کلاهبرداری، عدم گزارش مشخصات دقیق دارو، و ارائه‌ی اطلاعات نادرست به طور عمدی به دولت آمریکا، اعلام شد. در نتیجه، شرکت رانباکسی به عنوان بزرگترین تولیدکننده و عرضه‌کننده داروهای ژنریک در آمریکا با رای دادگاه به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار جریمه، مجازات و توقیف اموال محکوم شد.

انجمن بازرسان رسمی تقلب (ACFE)، در بیست و پنجمین کنفرانس سالانه و جهانی تقلب، «جایزه‌ی دیده‌بان» را به پاس «ترجیح دادن حقیقت به منافع شخصی»، به دانیس تاکور اهداء کرد. «مجله‌ی تقلب» (دوماهنامه‌ی انجمن بازرسان رسمی تقلب) به همین مناسبت، گفت‌وگویی را با وی، در شهر آمپای ایالت فلوریدا، انجام داد؛ که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید.

چطور اولین بار متوجه تقلب در رانباکسی شدید؟  
مدیر من، دکتر راجیندر کمار، از من خواست اطلاعات تهیه‌شده برای اخذ مجوز از سازمان بهداشت جهانی را

بررسی کنیم. محصولات تولیدی شرکت طبق این مجوز در کشورهای عضو سازمان بهداشت جهانی بفروش می‌رسید. از جمله بررسی‌هایی که انجام دادم بررسی داروهایی بود که مجوز آن برای بیماران مبتلا به ایدز در آفریقای جنوبی صادر شده بود. او از من خواست بررسی کنم.

آیا این مجوزها برای تولید و فروش محصولات در دیگر بازارهایی که نیازمند چنین داروهایی بودند نیز اخذ شده است؟

وقتی رئیس شما، دکتر راجیندر کومار، خلاصه‌ی گزارشی از بازرسی‌های انجام‌شده از آزمایشگاه‌های ویمتا ارائه کرد واکنش شما چه بود؟ (آزمایشگاه‌های ویمتا توسط رانباکسی برای انجام آزمایش داروی ایدز اجاره شده بود) شوکه شدم! باورم نمی‌شد این داروها به طور آزمایشی بر روی بیماران فقیر آزمایش شده باشند. از آن چه اتفاق افتاده بود من زجر شدم.

اگر در آن زمان مجبور به بررسی اسناد و نتایج آزمایش‌های داروهای یادشده می‌شدید چه می‌کردید؟

نمی‌دانم، امیدوار بودم آزمایش‌ها برای اخذ تاییدیه به طور مستقل توسط سازمان جهانی دارو انجام شود.

برنامه‌ی شما برای رسیدگی به آن چه رخ داده بود چه بود؟ با چه کسانی صحبت و مشورت کردید و نتیجه آن چه بود؟

تیمی متشکل از شش مدیر پروژه که زیر نظر من کار می‌کردند تشکیل دادم. از هر یک از آنان خواستم بر روی محصولات تولیدی یکی از خطوط تولید متمرکز شوند. هرگاه سرنخ مشکوکی پیدا می‌شد شخصاً پس از بررسی منشأ و نحوه‌ی ایجاد آن به بررسی چگونگی نحوه‌ی سرپوش گذاشتن شرکت روی آن مورد مشکوک می‌پرداختم. هر چه تحقیقات پیشرفت بیشتری می‌کرد، من با سرپرستان و مسئولان بیشتری در شرکت، در زمینه‌ی تولید و عرضه‌ی محصول آشنا می‌شدم. مدیران پروژه با بسیاری از دانشمندان و مهندسان شرکت که مسئول توسعه، آزمایش، ساخت و عرضه‌ی دارو به بازار بودند، ارتباط برقرار می‌کردند. خیلی زود متوجه چالش بزرگی در اطلاعات ارائه‌شده به سازمان‌های قانونی سرتاسر دنیا از سوی شرکت شدیم. البته خاطر نشان می‌کنم، از ابتداء اطلاع دقیقی از نحوه‌ی اخذ مجوز فروش به بازارهای بسیاری از کشورهای جهان در اختیار نداشتیم.

شما بعد از ده روز نتایج بررسی را به دکتر راجیندر کومار ارائه کردید. خلاصه‌ی گزارش تان چه بود؟ و دکتر کومار چه پیشنهادهایی ارائه کرد؟ بعد از ده روز گزارش اجمالی از مناطق و کشورهای را تهیه

کردم که برای آنها با اطلاعات فریبکارانه مجوز فروش صادر شده بود. دکتر تاکور بعد از مطالعه‌ی گزارش دستور ادامه کار تا سرحد امکان را صادر کرد.

بعد از ارائه‌ی نتایج نهایی، واکنش دکتر کومار در جلسه‌ی کمیته‌ی فنی - که مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره از جمله‌ی اعضای آن هستند - چه بود؟

دکتر کومار از هیئت مدیره خواست یکی از محصولات را که براساس اطلاعات فریبکارانه تولید شده بود از بازار جمع‌آوری کند. هیئت مدیره به درخواست او مخالفت کرد. دکتر کومار به عنوان یک شخص ممتاز و دارای ارزش‌های اخلاقی تصمیم به استعفاء از شرکت گرفت. هرچند پیش از استعفاء طرح اصلاح ساختار آشفته‌ی گذشته را به هیئت مدیره پیشنهاد کرد. ولی هیئت مدیره به این پیشنهاد او هم مخالفت کرد.



رانباکسی چطور سندسازی می‌کرد؟

روش تولید دارای ژنریک را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد: ۱) تهیه‌ی فرمول و تولید دارو به صورت قرص و شربت یا آمپول، و آزمایش آن در آزمایشگاه و اطمینان کامل از کارکرد آن. ۲) آزمایش داروی تولیدشده در شرایط بالینی کنترل‌شده و بررسی لازم برای اثبات اثربخشی دارو بر روی بیماران. ۳) محاسبه‌ی طول عمر ماندگاری فرمول و مشخص کردن تاریخ انقضای محصول تولیدی. ۴) اطمینان از تولید محصول در مقیاس تجاری و انبوه.

تحقیقات من نشان می‌داد، در هر کدام از مراحل بالا، شرکت اصول فوق را زیر پا گذاشته است. برای مثال، آزمایش محصول پیش از عرضه به بازار هرگز انجام نشده بود، یا تمام اطلاعات جمع‌آوری‌شده در شرایط بالینی برای اثبات تأثیر دارو بر روی بیماران ساختگی بود.

شما در مقاله‌ای در مجله‌ی فورچون («داروی کثیف»، به قلم کاترین ایبان، ۱۵ می ۲۰۰۳) گفته‌اید، در

شرکت رانباکسی دستکاری در فرایند تولید برای ایجاد داده‌های حساس پنهان نمی‌شد. شما گفته‌اید، این رویه در بین مدیران ارشد و رؤسای بخش تحقیق و توسعه، یعنی کسانی که مسئول جان افراد بستری‌شده بودند، عادی شده بود. چطور فرهنگ آزمایش دارو در شرکت رانباکسی تا به این حد آلوده به فساد شده بود؟

دو عامل عمده باعث این مسئله شده بود. اول، سازمان غذا و داروی آمریکا مرجع وضع قوانین مربوط به غذا و دارو در ایالات متحده است. وظیفه‌ی این سازمان حصول اطمینان از مؤثر بودن داروهای ساخته‌شده بر روی سلامتی و بهداشت عمومی ملت آمریکا است. در سال‌های دهه ۱۹۹۰، تولیدکنندگان دارو به دلیل دست و پاگیر بودن نظارت‌های این سازمان به کشورهای سهل‌گیرتر مانند چین و هند رو آوردند. در حالی که سازمان غذا و داروی آمریکا امکانات، منابع و ضمانت اجرایی و توانایی نظارت لازم در سرزمین‌های دور دست را در اختیار نداشت.

دوم، نهادهای نظارتی هند، به دلیل فساد و برای کسب سود سرشار تولید و معاملات دارو، با تولیدکنندگان هندی تبانی می‌کردند. آنها در انجام وظایف اصلی خود که همانا حفظ بهداشت عمومی در کشورشان بود غفلت می‌ورزیدند. در چنین فضایی، شرکت‌هایی مانند رانباکسی هم سوءاستفاده می‌کنند و دور زدن قوانین را به عنوان بخشی از راه و رسم کسب و کار خود می‌دانند. در این شرکت، منافع در اولویت قرار گرفته بود، کارمندان در ازای زیر پا گذاشتن قوانین تشویق می‌شدند، و در قبال آن پاداش دریافت می‌کردند.

از آن جا که رانباکسی تقریباً همه‌ی جنبه‌های مختلف فرایند تولید داروهای خود را برای ایجاد داده‌های حساس دستکاری می‌کرد، چطور می‌توانست این راز را پنهان کند؟

حدود دو سال قبل، بازرسان سازمان غذا و داروی آمریکا برای بازرسی به همه‌ی شرکت‌های دارویی هندی، از جمله رنباکسی، سر زدند. اما از ماه‌ها قبل، به این شرکت‌ها خبر می‌دادند! به این ترتیب، شرکت‌ها به اندازه‌ی کافی فرصت برای پنهان کاری داشتند. بیشتر بازرسان هم آمریکایی بودند و با فرهنگ هندی آشنایی نداشتند. علاوه بر تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، کارخانه‌های تولید دارو هم در نقاط پراکنده‌ای از کشور پهناور هند ایجاد شده بودند. به همین دلیل، نمایندگان شرکت‌های دارویی هند، بازرسان سازمان غذا و داروی آمریکا را برای بازدید از کارخانه‌های تولید دارو به نقاط دوردستی در سرتاسر کشور می‌برند، و چنان رفتار می‌کردند که بازرسان متقاعد شوند که همه چیز رو به راه است. همچنین، دریافت تاییدیه‌های دارو در بازار هند نیز از طریق زد و بند به راحتی انجام می‌شد. از این رو، شرکت‌ها در نبود ساختار نظارتی و حکومتی به رونق کار

خود با این شرایط ادامه می‌دادند. افراد مستقل هم حق اظهارنظر درباره‌ی کلاهبرداری‌های انجام‌شده و در حال انجام را نداشتند. دید هر کس بر اصل کسب منافع شخصی و همدستی در منافع شرکت متمرکز بود.

سه ماه پس از ارائه‌ی گزارش دکتر کومار به هیئت مدیره و استعفای او از شرکت، حسابرسان داخلی شرکت به مدت ده هفته واحد شما را حسابرسی کردند. پس از آن، شرکت شما را به وبگردی در وبگاه‌های مستهجن (پورن) با استفاده از رایانه‌های شرکت متهم کرد. واکنش شما در این ارتباط چه بود؟ ما پس از رفتن دکتر کومار امنیت کمتری داشتیم. شرکت می‌دانست من و کومار در جست‌وجوی اطلاعات لازم برای کشف واقعیت بودیم. پس تعجبی نداشت که آنان از همه چیز و همه کس، از امور مالی، تدارکات، منابع انسانی، واحد تحقیقات و توسعه، و واحد حقوقی، بازرسی و بازجویی کنند. ولی از این کارها چیزی عایدشان نشد. پس دست به دامن واحد انفورماتیک شدند و برای پرونده‌سازی کردند. ابتدا از این اتهامات عصبانی شدم. ولی بعد تشخیص دادم که بهتر است دنبال مدرکی دال بر رد اتهام خود باشم. بنابراین، از یکی از مدیران شبکه خواستم موضوع را بررسی کند. خیلی زود مشخص شد واحد انفورماتیک بر علیه من پرونده‌سازی کرده است. از روی تاریخچه‌ی موجود بر روی رایانه‌ی من مشخص بود که هیچ بازدیدی از وبگاه‌های مستهجن انجام نشده است. این همان مدرکی بود که من به آن نیاز داشتم. به مجرد اثبات ادعای خود، از شرکت هم استعفاء دادم.

بعد از استعفاء از شرکت، چگونه به سازمان غذا و داروی آمریکا و سایر سازمان‌های ذی‌صلاح مراجعه کردید؟

بعد از استعفاء، شش ماه طول کشید تا با سازمان غذا و داروی آمریکا تماس بگیرم. من دائماً نگران این تماس بودم. چون نمی‌دانستم چه اتفاقی خواهد افتاد. از سابقه‌ی تاریخی تلاقی بر علیه افشاگران در هند آگاه بودم. افراد یا کشته می‌شدند؛ یا به دروغ به عنوان خلافکار معرفی می‌شدند. من چندین ماه با خود کلنجار می‌رفتم که آیا واقعاً من مسئول گزارش این تقلب به سازمان غذا و داروی آمریکا هستم؟! و سرانجام به این نتیجه رسیدم که تصمیم درستی گرفته‌ام. تحمل چیزهایی که از آن‌ها خبر داشتم و تحمل این که چه ظلمی بر فقیرترین فقیران دنیا روا می‌دارند برایم سخت بود. برای حفظ هویت، یک ایمیل در یاهو ایجاد کردم و به افراد زیادی در سازمان غذا و داروی آمریکا، آژانس توسعه‌ی بین‌الملل آمریکا، نهاد ناظر بریتانیا، آژانس مقررات‌گذار محصولات پزشکی و بهداشتی، سازمان بهداشت جهانی، و نهاد ناظر برزیل نامه نوشتم.

ممکن است درباره‌ی چگونگی ایجاد ایمیل یاهو و ایمیل‌هایی که به سازمان‌های فوق می‌فرستادید بیشتر توضیح دهید؟

آن زمان بیکار بودم. نمی‌خواستم در هند هم کار پیدا کنم. نگران خانواده‌ام بودم که در هند ساکن بودند. اگر رنباکسی متوجه نقشه‌ی من می‌شد معلوم نبود که چه بلایی بر سر من و خانواده‌ام می‌آمد. بر خلاف آمریکا، نظام قضایی و قانونی هند پذیرای فساد است. بنابراین، ناچار شدم ایمیل یاهویی با نام مستعار Moniker ایجاد کنم. این ایمیل، به مدت هشت سال، پل ارتباطی من با بسیاری از مقامات قانونی در کشورهای مختلف دنیا بود.

ممکن است درباره‌ی ارتباطات با سازمان غذا و داروی آمریکا و نتایج بعدی آن توضیح دهید؟

وقتی به مقامات آن سازمان نامه می‌نوشتیم، عمداً دستور زبان انگلیسی را به‌درستی رعایت نمی‌کردم. از بعضی کلمات اشتباه استفاده می‌کردم، تا هویتم آشکار نشود. یافته‌هایم را با ایمیل به این سازمان، که فکر می‌کردم بالاترین مرجع بازرسی در این زمینه است، اطلاع دادم. تا چند هفته پاسخی دریافت نکردم. به همین دلیل، به بالاترین مقام آن سازمان، دکتر لسستر کرافورد، نامه نوشتم. خیلی زود پاسخی از سرپرست پذیرش دریافت کردم که اطلاعات بیشتری از من می‌خواست. به این ترتیب، شخص مستقلی برای رسیدگی به پرونده‌ی من در اداره‌ی بازجویی کیفری آن سازمان تعیین شد. او در پیگیری و تحقیق پرونده و تمام تحقیقات بعدی فرد حاذقی بود. ظرف آن هشت سال، همه‌ی توجه او بر روی افرادی بود که در این ماجرا ذی‌نفع بودند. با اطمینان می‌گویم؛ بدون هشجاری، استقامت، صبر و شکیبایی او در این پرونده امکان موفقیت نبود. او فردی نمونه و در خدمت جامعه است. همه‌ی بیماران در سرتاسر دنیا مدیون هدایت این پرونده تا رسیدن به نتیجه توسط او هستند.

در حال بازرسی سازمان غذا و داروی آمریکا چگونه بر اضطراب خود غلبه کردید؟ آیا از بابت به خطر افتادن امنیت خود و خانواده‌تان از سوی رانباکسی واهمه‌نداشتید؟

من خیلی ساده‌لوح بودم! فکر می‌کردم با اطلاع دادن به سازمان غذا و داروی آمریکا مسئولیت تمام می‌شود. انتظار داشتم آن‌ها خودشان پرونده را دنبال کنند. ولی ظاهراً آن‌ها با چنین پرونده‌ی تقلب گسترده‌ی روبه‌رو نشده بودند. چون ناچار بودند سرخ را از کشورهای دیگر دنبال کنند. درک رویکرد اداره‌ی بازرسی کیفری و وزارت دادگستری آمریکادرباره‌ی این پرونده برایم کار آسانی نبود. هرگز با این سازمان‌ها کار نکرده بودم. بنابراین، از مخاطرات راهی که در پیش گرفته بودم، مطلع نبودم. به دلیل نگرانی از امنیت خود و خانواده‌ام، آن‌چه با سازمان‌های ذی‌صلاح مطرح

کرده بودم، را برای کسی افشاء نکردم. بنابراین، روبرو شدن با روش کار و دشواری‌های آن برایم مشکل بود. خوشبختانه خانواده‌ام توانستند این مشکل را تحمل کنند. من دو فرزند نوجوان داشتم که می‌توانستم در دوران رشد آنان برایشان وقت زیادی صرف کنم. بلکه بابت سلامتی و امنیت خانواده ام وحشت داشتم. ولی به کمک نماینده‌ی سازمان غذا و داروی آمریکا، که مسئول پیگیری این پرونده بود، ملاقاتی در سفارت آمریکا در دهلی‌نو ترتیب داده شد. با این که وضعیت من و خانواده‌ام بحرانی بود؛ ولی حضور نماینده‌ی تام‌الاختیار سازمان غذا و داروی آمریکا برایم نقطه‌ی قوتی محسوب می‌شد.

سرانجام در ۱۳ می ۲۰۱۳ شرکت رنباکسی به هفت فقره جرم فدرال محکوم شد. در آن زمان آیا احساس می‌کردید بتوانید روزی از این کابوس رهایی پیدا کنید؟

مسلماً حضور در دادگاه فدرال حوزه‌ی مریلند در سال گذشته، و شنیدن محکومیت از بابت هفت فقره جرم، یک آرامش روانی در من ایجاد کرد. احساس می‌کردم بار سنگینی از روی شانه‌هایم برداشته شده است. این نه تنها یک پیروزی برای من و قانون بود؛ بلکه برای صدها میلیون بیمار در سرتاسر دنیا، که از این داروهای تقلبی استفاده می‌کردند، هم کار در خور ستایشی بود. داروهایی که با غیراخلاقی‌ترین روش‌های ممکن تهیه شده بودند. مهم‌ترین موضوع این که جزئیات این پرونده به تمام تولیدکنندگان نیز دارو ابلاغ و اعلام شد، شرکت‌های خارجی متخلف حتی آن سوی مرزهای آمریکا هم نمی‌توانند از دست قانون فرار کنند. این پایان خوش داستان بود.

وقتی اقدامات قضایی این فساد را فاش کرد چرا تعقیب قانونی شرکت رانباکسی زمان طولانی را طی کرد؟

به سه دلیل. اول، شرکت رانباکسی یک شرکت ثبت‌شده آمریکایی نبود، و تحت قوانین هند به ثبت رسیده بود. دشواری‌های پیگرد قانونی یک شرکت بین‌المللی، شامل طی کردن مراحل صدور احکام قضایی، دسترسی به شهود، وجود مستندات، مدارک، و غیره ... ده‌ها بار دشوارتر از پیگرد قانونی یک شرکت آمریکایی است.

دوم، سازمان غذا و داروی آمریکا در سال ۲۰۰۵ در کشورهایی همچون هند و چین، از نظر قضایی، اطلاعات، منابع، و حضور، برای پیگرد موارد تقلب و فساد توانایی لازم را نداشت. ولی قانون جدید سازمان غذا و داروی آمریکا که در سال ۲۰۱۲ به تصویب کنگره رسید، چارچوب قانونی جدیدی را پدید آورده است و این امکان را به آمریکا می‌دهد که موارد تقلب و فساد در سایر کشورها را نیز مورد پیگرد قضایی قرار دهد.

سوم، این تقلب آن قدر بزرگ و پیچیده بود که تمام سازمان‌های فدرال (از جمله، سازمان غذا و داروی آمریکا، دادگستری آمریکا، کانسون و کلای آمریکا در مریلند، اداره‌ی دادرسی و حمایت از مصرف‌کنندگان، اداره‌ی خدمات بهداشتی و انسانی آمریکا) به منظور محاکمه‌ی این شرکت گرد هم آمده بودند. به همین دلیل، زمان بسیار زیادی برای به سرانجام رسیدن این پرونده طول کشید.

از این که بعضی از مدیران شرکت رانباکسی تحت تعقیب قانونی قرار نگرفتند تعجب نمی‌کنید؟ بله، تعجب می‌کنم. متأسفانه، پاسخ درستی هم برای این پرسش از کسی دریافت نکردم.

آیا هیچ سازمانی تخمین زده است که چنان چند انسان توسط این داروها به خطر افتاده است؟ از چنین محاسباتی اطلاع ندارم. ولی می‌دانم که بسیاری از این داروها اثرات مزمنی به همراه دارد که سنجیدن آن‌ها دشوار است. به عنوان مثال، اگر بیماری داروهای ژنریک لیپیتور را برای درمان کلسترول مصرف کرده باشد، سال‌های بسیاری طول خواهد کشید که میزان تأثیر این دارو با کیفیت ضعیف بر روی بیمار مشخص شود. کسی تأثیرات ترکیبات شیمیایی را ماهانه گزارش نمی‌دهد. بنابراین، تخمین تعداد افرادی که تحت تأثیر این داروها قرار گرفته‌اند بسیار دشوار است.

همان طوری که در مجله‌ی فورچون شرح دادید، آیا می‌توانید ماجرای عفونت گوش کودک سه‌ساله‌ی خود را پس از استفاده از آنتی‌بیوتیک شرکت رانباکسی شرح دهید؟

مبتلا شدن به عفونت گوش در کودکان عجیب نیست. درمان استاندارد عفونت گوش استفاده از آموکسی سیلین کالوونیت است. این داروی بسیار قوی توسط شرکت گلاکسو اسمیت کلین ساخته شده است. شرکت رانباکسی نوع ژنریک این دارو را ساخته بود، که توسط پزشک به پسر من تجویز شد. ولی متأسفانه در بریدن تب شدید او هیچ اثری نداشت. ما هم مجدداً به پزشک او مراجعه کردیم؛ و او این بار، داروی ساخت شرکت گلاکسو اسمیت کلین را تجویز کرد. پس از مصرف این دارو پسر من سریع بهبود یافت. ما غالباً به کیفیت دارو توجه نمی‌کنیم. اگر دارویی توسط پزشک تجویز شود و آن دارو افاقه نکند، در بیشتر موارد نسخه‌ی دیگری از آن دارو به ما داده می‌شود. پزشکان اجازه‌ی پیگیری این موارد را ندارند. ولی داروخانه‌ها امکان دریافت این اطلاعات را دارد. این اطلاعات به شرکت‌های بیمه هم حسب درخواست ارایه می‌شود. ولی برای عموم این امکان وجود ندارد. امروزه اطلاعات درستی در مورد این چنین تغییرات و جانشینی داروهای ژنریک نداریم. حکایات

بسیاری در کلینیک‌های درمانی، مانند آن چه در بالا گفتم، وجود دارند. دکتر هری لور، متخصص ارشد قلب و عروق کلینیک کلیولند، به‌صراحت از کنگره‌ی آمریکا خواسته است، به‌همه‌ی پزشکان و داروخانه‌ها دستور داده شود رویدادهای مربوط به تجویز داروهای غیرمؤثر را به سازمان غذا و داروی آمریکا گزارش دهند؛ تا بهتر بتوانیم از کیفیت دارو و این که آیا تقلبی یا ضعیف بوده است یا نه، مطلع شویم.

دکتر ژوزف تی ولز، حسابدار رسمی و بازررس رسمی تقلب، و بنیانگذار و رئیس انجمن بازرسان رسمی تقلب، بیش از ۲۵ سال پیش گفته‌است که پیشگیری و بازداري از تقلب نتیجه‌ی به مراتب بهتری نسبت به مجازات خواهد داشت. نظر شما چیست؟

کاملاً با او موافقم. در حال حاضر اطلاعاتی داریم که این نظریه را اثبات می‌کند. پس از فاش شدن تقلب شرکت رانباکسی، سازمان غذا و داروی آمریکا اقدامات قانونی متعددی را علیه چندین شرکت دارویی دیگر در هند اعمال کرده است. هزینه‌ی جبران آسیب‌های وارده‌شده میلیاردها دلار است. ضمن این که تبعات بد این اتفاقات بر شهرت شرکت‌ها نیز بسیار ناگوار است.

البته، بر خلاف محصولات مصرفی و تولیدات دیگر، محصولات دارویی در طبقه‌ی خاصی قرار دارند. در زمان‌های بیماری آنها را می‌خریم و مصرف می‌کنیم، به امید این که بهتر شویم. بر خلاف محصولاتی همچون خودرو یا تلفن همراه، شرکت‌های دارویی تعهدات بسیار سنگینی را در قبال جامعه و سلامتی بیماران دارند. این جاست که واقعیت‌ها اهمیت پیدا می‌کند. پیشگیری و بازداري از تقلب تکلیف اخلاقی همه‌ی ما است.

افشاگران تقلب و کارهای غیرقانونی برای دریافت حمایت به کجا می‌توانند مراجعه کنند؟ سازمانی به نام «مالیات‌دهندگان علیه تقلب» (Taxpayers Against Fraud) وجود دارد، ضمن حمایت از افشاگران تقلب، آنان را راهنمایی نیز می‌کند. آن‌ها درباره‌ی این پرونده به من هم کمک کردند.

درباره‌ی افشای تقلب چه توصیه‌ای به اعضای ما می‌کنید؟

چیزی که می‌توانم بگویم این است که به ندای وجدان خود گوش دهید. راه درست راهی طولانی و دشوار است. گاهی اوقات از عواقب شخصی تصمیم درستی که برای افشای تقلب گرفته‌اید تعجب خواهید کرد؛ ولی به یاد داشته باشید که حقیقت همیشه پیروز است. پرونده‌ی من هشت سال با زحمت و تلاش فراوان به طول انجامید. ولی در نهایت آن چه را که انجام دادم باعث

امیدواری و به سود بسیاری از بیمارانی شد که همیشه به اثر کامل و مؤثر داروها متکی بوده‌اند.

چند درس عبرت از تجربیات دانیس تاکور  
دانیس تاکور می‌گوید، از بررسی تقلب شرکت رانباکسی درس‌های بی‌شماری گرفته است. ولی در این جا به سه مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کند.

هر کسب و کاری برای انجام کارهای خلاف انگیزه‌هایی دارد. ولی این رهبری سازمان است که تعیین می‌کند آیا کارمندان به آن کارهای خلاف مبادرت کنند؛ یا نه! الگو در زندگی حرفه‌ای و شخصی ما نقش بسیار مهمی دارد. اگر جرأت دکتر کومار و اصول اخلاقی او در مقابله با تقلب مدیران شرکت نبود، انجام چنین وظیفه‌ای برای من بسیار دشوار می‌شد. الگوها موجب درستکاری، اتخاذ تصمیمات درست، و پدید آمدن مردمانی بهتر می‌شوند.

هیچ کس یک روزه تصمیم به ارتکاب تقلب نمی‌گیرد. این تصمیمات به مرور و پس از سال‌های کار کردن بدون توجه به اخلاق به وجود می‌آیند. همان طور که جیسون بلیر، خبرنگار روزنامه‌ی نیویورک تایمز می‌گوید، گزینه‌های اصلی ما در زندگی به ندرت به عنوان پرسش‌های واضح و روشن مطرح می‌شوند. بلکه گام به گام، و در هر مرحله، گزینه‌های کوچکی که به ظاهر ارتباط مستقیمی هم به نتیجه‌ی نهایی ندارند، مطرح می‌شوند. ولی به مجرد این که ترس از مسائل جزئی از بین رفت، آن گاه مسائل بزرگ اخلاقی نادیده گرفته می‌شوند (تخم مرغ دزد؛ شتر دزد می‌شود).

ارزیابی پیوسته‌ی ریسک جزء لاینفک کسب و کارهای امروزی است. همان طور که کسب و کارها جهانی می‌شوند و معاملات با فرهنگ‌ها و شرایط متفاوت کشورهای مختلف انجام می‌شوند، ولی درک این که در یک فرهنگ چه چیزی پذیرفتنی است، به فرهنگ‌های دیگر ترجمه نمی‌شود. بنابراین، چیزی که حیاتی است، این است که سیستم‌هایی برای ارزیابی مستمر ریسک‌ها و مدیریت آن‌ها وجود داشته باشد. به‌ویژه، هنگامی که شبکه‌ی تأمین‌کنندگان شامل شرکایی از سرتاسر جهان است.

**محسن ژاله آزاد زنجانی:** حسابدار رسمی، حسابدار مستقل خبره، حسابدار مدیریت خبره، دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

## منبع:

"Fighting a culture of fraud: An interview with Dinesh Thakur, ACFE's 2014 Sentinel Award recipient", By Dick Carozza, CFE, Fraud